

جلو‌های عدالت ترمیمی در مجازات‌های کیفری قرآن کریم

محمدتقی گل محمدی شورکی*

چکیده

در قرون اخیر به دلیل مشکلات ناشی از اجرای عدالت کیفری، الگوی جدیدی به نام عدالت ترمیمی جهت ترمیم رفتارها و رفع مشکلات ناشی از جرم، مورد توجه سیستم‌های قضایی قرار گرفته است. فرایند ترمیم با هدف ایجاد صلح و آشتی بر احیای حقوق بزه‌دیده از طریق مذاکره و ابزار و شیوه‌های خاص و همراه با مشارکت فعال بزه‌دیده و بزه‌کار، به جبران خسارت و حل‌وفصل مسائل ناشی از جرم می‌پردازد. این در حالی است که قرآن کریم افزون بر راهکارهای ترمیم، مجازات‌های کیفری را از راهکارهای موکد خود در مواجهه با برخی جرایم برشمرده است. از این رو پژوهش حاضر با روش تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی آیات مرتبط با مجازات‌های کیفری پرداخته و با مقایسه آن با نظریه‌اندیشمندان حوزه عدالت ترمیمی، ویژگی‌ها و نشانه‌های غیرکیفری در آن آیات را کشف کرده و به این نتیجه رسیده که اصل و مبنای قرآن کریم در برخورد با جرائم، ترمیم جامعه، مجرم و حفظ شون انسانی بوده و در هر جرمی که دستورات کیفری صادر کرده به تناسب راهکارهای متعددی جهت ترمیم ارائه داده است تا از آسیب‌های مجازات کیفری کاسته شود.

واژگان کلیدی

آیات کیفری، بزه‌دیده، بزه‌کار، عدالت ترمیمی.

طرح مسئله

نظام عدالت کیفری مرسوم از اواخر قرن بیستم مورد انتقاد قرار گرفت. منتقدان بر این باور بودند که این نظام در زمینه‌های گوناگون قضایی ناکارآمد بوده و برای تمام جوانب جرم پاسخی مناسب ندارد؛^۱ مجازات‌دهی آن بیشتر بر پایه مکافات و تلافی بوده و به دنبال سزادهی بر حسب نوع جرم ارتكابی است. درحالی که بعد از سزادهی هنوز بسیاری از آثار نامطلوب جرم رفع نشده و سایه سنگین خسارات مادی، معنوی، اجتماعی و عاطفی جرم در جامعه وجود دارد.

به دنبال این ایرادها در قرن بیستم رویکردی به نام عدالت ترمیمی ظهور کرد. این رویکرد جرم را قبل از هر چیز شکاف و گسستی در بافت روابط و مناسبات انسانی و علایق افراد به یکدیگر تلقی کرده است و به جای تکیه بر کیفر بزه‌کار، به اصلاح آسیب‌های ناشی از جرم و به نیازهای بزه‌دیده توجه می‌شود. در کنار آن بزه‌کار را هم قابل اصلاح دانسته که باید با تبیین نتیجه زشت عملش به ترمیم آسیب‌ها و جبران خسارات وارده بپردازد.

قرآن کریم به عنوان منبع خدشه‌ناپذیر وحی؛ با طرح نظریه اصلاح و حل و فصل اختلاف‌ها به وسیله صلح و سازش «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۲ و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ»^۳ از قرن پیش رویکرد ترمیمی را مورد تأکید قرار داده و تدابیری اندیشیده که تا جای امکان کینه و اختلاف‌ها از بین برود و خسارات وارده به نحوی که مرضی طرفین جرم باشد، جبران شود؛ اما در مقابل این رویکرد، آیات متعددی نیز یافت می‌شود که ظاهراً برخلاف فرضیه اصلاح و ترمیم، جزادهی را مقدم داشته و با بیان مجازات‌های کیفری؛ مثل قصاص «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى»^۴ محاربه «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلاَفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ»^۵ حد زنا «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ»^۶ «وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا»^۷ و حد سرقت «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»^۸ بزه‌کار را

۱. عباسی، عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری، ص ۸۶

۲. انفال / ۱.

۳. حجرات / ۱۰.

۴. بقره / ۱۷۸.

۵. مائده / ۳۳.

۶. نور / ۲.

۷. نساء / ۱۶.

۸. مائده / ۳۸.

مجازات می‌کند. حال سؤال اصلی این است، چگونه قرآن مجید با تمام تأکیدی که بر اصلاح و ترمیم افراد و جامعه دارد باز به بیان مجازات‌های بسیار سخت کیفری پرداخته است؟ و آیا راهکار و برنامه‌ای برای ناکارآمدی و آسیب‌های احتمالی مجازات‌های کیفری خود در نظر گرفته است؟

پیرامون «عدالت ترمیمی» پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است و همچنین از جهت مبانی دینی و گستره آن در قرآن و روایات تحقیقاتی مانند: «اصلاح ذات بین و نظریه عدالت ترمیمی» از نجفی ابرنآبادی؛ «تطبیق نظریه شرم‌سازسازی بازپذیرکننده بزه‌کاران بر سوره یوسف»، از قاسمی مقدم؛ «جلوه‌های عدالت ترمیمی در قرآن کریم»، از ساریخانی؛ «عدالت ترمیمی در اندیشه امام علی علیه السلام» از عطا شحنه صورت گرفته اما تحقیق حاضر قصد دارد با توصیف و تحلیل آیات کیفری قرآن کریم، به راه کارهای غیرکیفری جرم‌زای آنها پی‌برده و با تطبیق آن بر نظریه عدالت ترمیمی مشخص سازد که مسیر جزادهی و اصول جرم‌ستیزی در قرآن مجید بر چه محوری استوار است. از این‌رو ابتدا مختصری به جایگاه و اصول عدالت ترمیمی اشاره شده و در ادامه با بررسی آیات کیفری و تطبیق آن با نظریه‌های مطرح در عدالت ترمیمی، جلوه‌های غیرکیفری آیات را کشف و مسیر جزادهی قرآن را در آیات کیفری ترسیم می‌کند.

عدالت ترمیمی

گرچه عدالت ترمیمی دارای ماهیتی منعطف است که شامل برنامه، طرح‌ها و تعریف‌های گوناگونی می‌شود اما در این بحث سعی شده مطالب کاربردی و مرتبط با حوزه این پژوهش به اختصار تبیین شود: در الگوی عدالت ترمیمی افراد گوناگون با روش‌های متعدد در تلاش‌اند تا برای برطرف کردن خسارت‌های ناشی از جرم نقش ایفا کرده و با آثار مخرب آن مبارزه کنند. تونی مارشال جرم‌شناس انگلیسی در تعریف عدالت ترمیمی می‌نویسد:

عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن کلیه کسانی که در رابطه با جرم خاص حق، یا نفع یا همی دارند گرد هم می‌آیند تا به‌طور جمعی در رابطه با چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن در آینده تصمیم گرفته و راه‌حلی بیابند^۱

در این فرایند با میانجی‌گری افراد صاحب نفوذ و با گفتگویی که میان بزه‌کار و بزه‌دیده صورت می‌گیرد، صحنه واقعی جرم در ذهن بزه‌کار ترسیم می‌شود تا احساسات، وجدان و حس یکدلی در او ایجاد شده و باعث مسئولیت‌پذیری و تصمیم بر جبران خطاها گردد. در عدالت ترمیمی از آن جهت که بزه‌دیده و جامعه،

1. *Marshal, on Criminal Policy and Research*, p. 38.

آسیب جدی دیده، محور توجهات از بزه‌کار به بزه‌دیده و جامعه معطوف می‌گردد و بزه‌کار به تفاهم، حسن نیت و مسئولیت‌پذیری هدایت می‌شود، تا سبب پیشگیری از ارتکاب بزه در آینده شود. در این نظریه هدف اول مجازات‌دهی نیست بلکه ترمیم، اصلاح و جبران خسارت است و به‌جای تکیه بر اجبار، به داوطلبانه بودن و به‌جای دشمنی و مخفی کردن حقایق، بر عنصر اظهار حقیقت تأکید کرده و توافق دوجانبه را جایگزین سزادهی و جبران خسارات تحمیلی کرده و به‌جای مجازات و مکافات قضایی، عنصر حمایت از بزه‌کار و بزه‌دیده و عنصر محرمانه بودن را در مقابل مجازات‌های آشکار ترسیم کرده است.^۱

۱. اهداف کلی عدالت ترمیمی

بنابراینچه در مورد عدالت ترمیمی بیان شده اهداف کلی این رویکرد را می‌توان چنین برشمرد:

(الف) عدالت ترمیمی به جوانب گوناگون جایگاه بزه‌دیده‌گان پرداخته، نیازهای مادی و روحی آنها جبران و روابط مختل شده را ترمیم می‌کند؛

(ب) برای رفع مشکل بازپذیری بزه‌کار، با مشارکت دادن افراد مرتبط با جرم، روابط بین آنها را ترمیم کرده و با بازگرداندن حس اعتماد به بزه‌کار، مانع تکرار جرم در جامعه می‌شود؛

(ج) بزه‌کار از خسارات جرم خود اطلاع یافته و با پذیرش مسئولیت آن، در صدد جبران خسارات برمی‌آید.

۲. شیوه‌های اجرایی عدالت ترمیمی

برای اجرای عدالت ترمیمی راهکارهای متعددی بیان شده است. هر فرایندی که در آن، افراد مرتبط با جرم (بزه‌کار، بزه‌دیده، جامعه و خانواده) به کمک میانجی تلاش کنند تا برای مشکلات برخاسته از بزه راه‌حلی بیابند، فرایند عدالت ترمیمی نامیده می‌شود.

فرایندهای عدالت ترمیمی الگوهای متفاوتی داشته اما وجه اشتراک آنها ترمیمی بودن است که در پی یافتن روشی مناسب برای جبران آسیب‌های ناشی از جرم و بازپذیری بزه‌کار و بزه‌دیده هستند، از این‌رو نتیجه مهم‌تر از شیوه فرایند است.

از مهم‌ترین روش‌های اجرایی در عدالت ترمیمی که بیش از همه مورد توجه قرار گرفته روش «میانجی‌گری» است که به‌عنوان سنگ‌بنای عدالت ترمیمی نام برده شده است.^۲ در این روش بزه‌کار و بزه‌دیده با وساطت یک فرد میانجی و با حضور برخی از افراد مرتبط، با هم ملاقات کرده و بزه‌کار به

۱. رک: میرنقی‌زاده، مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی، ص ۲۰۴.

2. CERETTI & MANNOZZI, Restorative Justice. Theoretical - Aspects and Applied Models.

دلایل ارتکاب جرم پرداخته و بزه‌دیده هم آثار ناشی از جرم و تحمل خسارات وارده را بیان می‌کند. بعد از آن، میانجی به آنها کمک می‌کند تا راه‌های ترمیم آثار جرم و برون‌رفت از مشکلات آن را مورد بررسی قرار دهد و به راه‌حلی مناسب جهت ترمیم و رفع خسارات توافق کند.

از اصول مهم میانجی‌گری تامین امنیت بزه‌دیدگان و استفاده دقیق از ادبیات مناسب می‌باشد؛ میانجی‌گران باید با بزه‌دیده ارتباط مستقیم و مستمر داشته باشند تا جلوی هر اتفاقی که سبب آسیب روحی یا جسمی می‌شود بگیرند و با استفاده از ادبیات مناسب مانع ایجاد سوءظن یا انتظار و امید بیهوده شوند. از دیگر شیوه‌های اجرایی مورد استفاده در عدالت ترمیمی می‌توان «نشست یا جلسات گروهی» و همچنین «حلقه یا محافل» را نام برد که در آن، شیوه اجرا با میانجی‌گری کمی متفاوت است اما در نهایت همه سعی بر آن دارند تا با پیشنهاد راه‌حلی مناسب از آثار و تبعات جرم کم شود و در یک تصمیم توافقی خسارات بزه جبران شود.^۱ براساس مطالب مذکور می‌توان سه اثر مهم برای عدالت ترمیمی ذکر کرد:

الف) امید بزه‌کار به زندگی و بازگشت به جامعه؛

ب) برگرداندن وضع بزه‌دیده به حالت سابق و جبران خسارات مادی، روحی و معنوی؛

ج) بازگشت آرامش به جامعه محلی و دفع واکنش از وقوع دوباره جرم.

بررسی عدالت ترمیمی در آیات کیفری

مهم‌ترین هدف مجازات در عدالت کیفری قرآن، اجرای عدالت بوده که به‌عنوان یک حق به آن اشاره شده است نه یک تکلیف غیر قابل تغییر، به صورتی که در موارد گوناگون می‌توان از اجرای برخی از آنها چشم‌پوشی کرد تا به اهداف متعالی‌تر از آن دست یافت.^۲ بنابراین خداوند با طراحی برنامه‌ای ابتدا بر اساس اصل تناسب جرم و مجازات، کیفی‌هایی را بر پایه حکمت، عدالت و مصلحت، تدوین کرده و در همین راستا با تبیین راهکارهای ترمیم، جلوه‌هایی از عدالت ترمیمی را آموزش داده تا آسیب‌های ناشی از سیستم مجازات‌دهی کاسته شود. در این بحث با بررسی جایگاه عدالت کیفری - در آیات قصاص، حد زنا، محاربه و سرقت - به جلوه‌هایی از رویکرد عدالت ترمیمی که می‌تواند در فرایند ترمیم مورد استفاده قرار گیرد، اشاره می‌شود.

۱. تبیین تقدم مجازات کیفری بر عدالت ترمیمی

قصاص: در نظام مبتنی بر قرآن کریم به موجب آیه قصاص «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي

۱. ر.ک: حسینی، عدالت ترمیمی و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع جرم، ص ۶۳۷؛ کاظم‌پور، نقش عدالت ترمیمی در

واکنش کیفری به جرائم خانواده، ص ۱۵۸.

۲. ساریخانی، کاوشی نو در معارف قرآنی، ص ۵۶.

الْقَتْلَى الْحَرْبُ يَأْتُرُ...^۱ در جرایم علیه اشخاص، تلافی و استیفای عینی جنایت بر هر امر دیگری تقدم پیدا کرده است.

این آیه از دو جهت دلالت بر وجوب در امر قصاص دارد: اول اینکه واژه «كُتِبَ» در عرف شرع دلالت بر وجوب دارد، مثل «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»^۲ و دیگر اینکه لفظ «عَلَيْكُمْ» مشعر به وجوب است؛^۳ چون متعدی شدن فعل با «علی» دلالت بر ناخوشایند و سخت بودن فعل دارد و از حکم الزامی هم نوعی مشقت حس می‌شود، در نتیجه می‌فرماید: اگرچه این حکم سخت و ناخوشایندی است اما «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» اولویت و اهمیت آن در حیات جامعه انسانی بوده و مصلحت جامعه بر این است تا از این راه ارهاب و ترمیم بزهکاران صورت گیرد و سبب جلوگیری از تکرار جرم در جامعه شود.

زنا از موارد دیگری است که مجازات کیفری آن بر عدالت ترمیمی تقدم پیدا کرده است. در احکام الهی و قوانین برای جرم زنا مجازات متعددی؛ از سنگسار تا تازیانه به حسب جرم و مجرم تعیین شده است.^۴ در آیات گوناگون به صراحت و تلویح درباره این جرم سخن به میان آمده، از جمله نساء / ۱۵، ۱۶ و ۲۵؛ اسراء / ۳۲؛ نور / ۴ - ۲، واضح‌ترین مجازات کیفری زنا در آیات ۲ و ۳ سوره نور می‌باشد که خداوند جهت تقبیح فعل زنا، با دستوری قاطع دو طرف پرونده را به مجازات سختی محکوم می‌کند: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» در واقع این آیات مشتمل بر چهار حکم سزادهنده است:

۱. مجازات: از آنجا که تنبیه و مجازات کیفری ابرازکننده شدت ناراحتی از مجرم و نشان‌دهنده قبح جرم است، قرآن کریم ابتدا جهت تبیین قبح رفتار بزه‌کار و کنترل رفتار اجتماعی، مجازات صد ضربه تازیانه تعیین کرده است: «فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» این حکم در موارد زنا می‌محسن؛ به خاطر قبح بیشتر آن؛ تخصیص خورده و به سنگسار تبدیل شده است.^۵ تخصیص حکم به مجازات اشد از جانب شارع به خاطر شدت قبح جرم و درجه‌بندی آن نسبت به افراد و موقعیت‌های مختلف می‌باشد. از این رو مجازات کیفری آن بر عدالت ترمیمی تقدم یافته است.

۲. کنترل رفتارهای اجتماعی: خدای متعال در کنار دستور مجازات جهت طرد فعل زناکار، امری

۱. بقره / ۱۷۸.

۲. بقره / ۱۸۳.

۳. رازی، *مفاتیح الغیب*، ج ۵، ص ۲۲۱.

۴. فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۳، ص ۴۱۴؛ دلیراد، *متن قانون اساسی*، مواد ۲۳۲ - ۲۲۲.

۵. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

تکمیلی برای جلوگیری از گسترش و تقبیح این فعل، نسبت به جامعه دارد.^۱ در کنار مجازات مجرم، مومنان را موظف به اجرای دقیق حکم کرده و می‌فرماید: نباید به خاطر دلسوزی در اجرای حکم کوتاهی کرد: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...»^۲ و از آنجا که نگاه رقت‌آمیز به حال زانی، امکان گسترش و کوچک‌انگاری جرم را به دنبال دارد، کلام را به قید «فِي دِينِ اللَّهِ» مقید کرد تا گوشزد کند که عظمت این جرم به حدی است که سهل‌انگاری در حکم موجب سهل‌انگاری در دین خدا می‌شود.

۳. **شرمسازسازی بزه‌کار:** به تعبیر «برایت ویت» سلب منزلت اجتماعی افراد می‌تواند موجب احساس سرزنش و شرم منفی در بزه‌کار و سلب حیثیت اجتماعی او شود.^۳ این نوع شرمسازسازی به خودی خود اغلب در نظام عدالت کیفری به خاطر مجازات مجرم به وجود می‌آید اما خداوند افزون بر آن، در صدد تخریب حیثیت اجتماعی بزه‌کاران برآمده و با دستور به حضور گروهی از مومنان در صحنه مجازات «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» جایگاه اجتماعی زناکار را تخریب می‌کند. این برخورد باعث می‌شود بزه‌کار رسوا و از خود مأیوس شده و خود را حقیر بیابد.

۴. **طرد بزه‌کار از جامعه:** گاهی مجازات موجب طرد بزه‌کار از جامعه می‌شود که این طرد شدن سنگین‌تر از مجازات است. مردم از بی‌آبرویی و شرمساری در جامعه احساس تهدید کرده و برای آنها از دست دادن موقعیت، احترام و پیوند با جامعه قابل توجه است.^۴ خداوند نیز در این فرایندی برای تقبیح عظمت فعل ارتكابی و جلوگیری از تکرار جرم در جامعه دستور به قطع پیوند اجتماعی داده و فرموده: «مومنان حق ازدواج با این بزه‌کاران را نداشته و آنها باید با امثال خود ازدواج کنند».^۵

محاربه: از جرم‌های دیگری که در قرآن کریم مجازات کیفری آن بر عدالت ترمیمی تقدم یافته، محاربه است. سیاست جنایی قرآن؛ که از اهداف عمده آن محو ظلم و جلوگیری از تجاوز به حقوق انسان‌هاست، با وضع احکام کیفری سعی بر جلوگیری از جرم و ایجاد جامعه‌ای سالم دارد. از این‌رو برای جلوگیری از محاربه به تناسب جرم، مجازات‌های سخت اعدام، قطع دست و پا و تبعید در نظر گرفته است.^۶

«محارب» یعنی هرکس که برای ترساندن مردم سلاح به دست گیرد.^۷ کسی که سلاح بردارد و در

۱. فضل‌الله، *من وحی القرآن*، ج ۱۶، ص ۲۲۱.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۷۹.

3. Braithwaite, *Crime, shame and reintegration*, p. 2.

۴. همان.

۵. نور / ۳.

۶. مائده / ۳۴ - ۳۳.

۷. طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۲، ص ۳۷.

شهر یا خارج شهر، ایجاد ناامنی یا راهزنی کند.^۱ مراد از محاربه با خدا و رسول، اعمالی مثل جنگیدن کفار با رسول و با مسلمانان و راهزنی راهزنان است که امنیت عمومی را خدشه‌دار می‌سازد.^۲

مجازات‌هایی که برای محارب آمده؛ «تقتیل»، «تصلیب» و «تقطیع» از باب تفعیل است و قتل، صلب و قطع، وقتی به باب تفعیل می‌رود، شدت یا زیادت در معنای آن کلمات را می‌رساند. جمله «أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ» به معنای خارج کردن او از وطنش به شهری دیگر است.^۳ در اینکه لفظ «أو» در بین این چهار کلمه دلالت بر تخییر دارد یا خیر؟ برخی معتقدند که مجازات را باید متناسب با جرم و جنایتی که انجام گرفته، اعمال کرد،^۴ اما گروهی بر این باورند که «او» دلالت و صراحت بر تخییر دارد و حاکم می‌تواند هر کدام را که بخواهد، انتخاب کند.^۵

هر نوع جرمی نمایانگر نوعی شرّ جمعی است. «وقوع یک جرم، شری را برای تمامیت اجتماع در پی می‌آورد که تهدیدکننده منزلت بزه‌دیدگی است.»^۶ در فرایند مقابله با محاربه تقدم عدالت کیفری با وضع سخت‌ترین مجازات‌ها جهت پاسداشت منزلت و حفظ امنیت اجتماعی در راستای ظلم‌زدایی از جامعه است. در این آیات آنچه به لحاظ سزادهی مهم است، ابتدا برخورد با بزه‌کاری است که شرارت را به نهایت رسانده، امنیت جامعه را به خطر انداخته و در مرحله بعد برگرداندن آرامش و امنیت روحی به جامعه بزه‌دیده است.

سرقه: جرم سرقت نیز از مواردی است که در قرآن کریم عدالت کیفری آن بر عدالت ترمیمی تقدم یافته است. خداوند برای سرقت - که یکی از جرم‌های متداول در جوامع بشری بوده - مجازات سخت کیفری در نظر گرفته و فرموده: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ...»^۷

گرچه جزئیات و محدوده قطع ید را باید از سنت فهمید،^۸ اما قرآن کریم جهت تقبیح فعل سرقت با وضع مجازات کیفری سخت (قطع ید) سعی در جلوگیری از گسترش جرم و جلوه دادن میزان قباحت و خسارت جرم برای بزه‌کاران دارد و می‌خواهد از این منظر به ترمیم فرد و جامعه بپردازد.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۸؛ سیوطی، در المثنوی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۵۳۳.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۲۷.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۴؛ رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۳۴۶.

۵. حسینی جرجانی، آیات الاحکام، ج ۲، ص ۶۷۹؛ فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۵۲۹.

۶. وایت، هینز، جرم و جرم‌شناسی، ص ۳۸۴.

۷. مائده / ۳۸.

۸. حسینی جرجانی، آیات الاحکام، ج ۲، ص ۶۷۴؛ رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۳۵۲.

برخی از مجازات‌ها؛ مثل تازیانه و زندان مقطعی است که پس از گذراندن دوره مجازات تقریباً اثر آن از بین می‌رود و به تدریج مجرمیت مجرم در انظار عمومی کمرنگ می‌شود، اما قطع دست از معدود مجازات‌هایی است که اثر آن نه تنها برای همیشه باقی است بلکه در انظار عموم قرار دارد. از این رو می‌توان گفت چون سرقت از جرایمی است که احتمال وقوع آن در جامعه زیاد است و دلایل و شیوه‌های متعدد برای ارتکاب آن وجود دارد، خداوند مجازات قطع دست را برای آن وضع کرده تا همیشه جهت عبرت در منظر عموم باشد؛ از این رو در ادامه می‌فرماید: «جَزَاءٌ يَمَا كَسَبَا تَكَالًا؛ این جزای جرمی است که انجام داده است».

این شیوه مجازات را می‌توان خنثی‌سازی بزه از طریق شرم دائم بزه‌کار و در نتیجه عبرت‌دهی مستمر به جامعه جرم‌خیز دانست. «سایکس» و «ماتزا» می‌گویند: بزه‌کاران در یک فرایند روانی از طریق فنون خاص و دلیل‌تراشی مرتکب جرم می‌شوند تا عذاب وجدان ناشی از جرم را از بین برده و راه‌های بزه‌کاری را بر خود هموار کنند.^۱ از آن جهت که در جرم سرقت راه‌ها و فنون متعدد (مثل: فقر، بی‌عدالتی، مشکلات فردی و اجتماعی) برای خنثی‌سازی حس گناه ناشی از آن وجود دارد، خداوند با مواجهه‌سازی جامعه با آثار مجازات سرقت و شرم دائم بزه‌کار، راه هرگونه توجیه را بسته و می‌فرماید: این است جزای جرمی که مرتکب می‌شوید.

۲. جلوه‌های عدالت ترمیمی در مجازات کیفری

در شیوه سزادهی جهت اصلاح بزه‌کار و جامعه، مجرم را با مجازات مواجه می‌کنند و بدین‌منظور با روش‌های مختلف سزادهی متناسب با جرم، بهره می‌گیرند. قرآن کریم بر پایه تناسب جرم و مجازات «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ»،^۲ «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا»^۳ و از روی مصلحت و اقتضای نیاز جامعه جهت پیشگیری اولیه از وقوع بزه و حفظ امنیت جامعه گاهی به تقدم عدالت کیفری حکم کرده است اما وضع مجازات کیفری قرآن معطف بوده و به ایراد انعطاف‌ناپذیری عدالت کیفری سنتی مبتلا نیست. از این رو قرآن کریم جهت خارج کردن مجرم از فرایند تعقیب کیفری و ادخال او به حیطة واکنش‌های تساهلی و غیرکیفری، متناسب با جرم و مجازات، به راهکارهایی مثل رجوع به قاضی تحکیم، اصلاح ذات‌بین، توصیه به گذشت و پرداخت دیه اشاره کرده که امروزه در فرایند عدالت کیفری از آن استفاده می‌شود.

۱. ر. ک. رحیمی‌نژاد، نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی، ص ۹۶.

Sykes & Matza, *Techniques of Neutralization: a Theory of Delinquency*, p. 664.

۲. نساء / ۱۲۳.

۳. غافر / ۴۰.

یک. بازپذیری بزه کار

از جمله اقتضانات عدالت ترمیمی، بازپذیری بزه کار و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت بازگشت مجدد وی به عرصه اجتماع است. عدالت ترمیمی موجب بازسازی بزه کار و تشریح خاطر بزه‌دیده می‌شود.^۱ همچنین عدالت ترمیمی در صدد ایجاد آشتی و توافق بین بزه کار و بزه‌دیده و بازگرداندن هر دوی آنها به جامعه است.^۲ قرآن کریم در تبیین مجازات‌های کیفری خود به راه‌هایی جهت بازپذیری بزه کار اشاره می‌کند:

الف) ایجاد علقه و تشویق بزه‌دیده به گذشت

از عوامل اثر بخش شرمسازسازی بزه کار و بازگرداندن وی به جامعه، عفو و گذشت است. دفع بدی با نیکی سبب دوستی و صمیمیت می‌شود.^۳ بر این مبنا، خداوند بعد از بیان حکم قصاص، جهت بازپذیری بزه کار سعی دارد تا بین بزه‌دیده و بزه کار یک رابطه عاطفی برقرار سازد. از این رو سخن را در فضایی کاملاً متفاوت و ملاحظت‌آمیز برده و می‌فرماید: «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» با بیان موضوع «عفو» و خطاب «برادر» برای قاتل [آخیه] فضای ترمیم را به خوبی ترسیم کرده و با استفاده از لغات و جملات احساسی و ایجاد علقه برادری، بزه‌دیده را به بخشش دعوت کرده است.

در این آیه جهت بازگرداندن بزه کار به جامعه به ولی دم سفارش می‌کند تا با نیکی با قاتل برخورد کند «فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ» برخی از مفسران این جمله را به شیوه دریافت و مقدار دیه تفسیر کرده‌اند^۴ اما از اطلاق جمله در تبعیت از معروف می‌توان گفت: خدا در این رویکرد «عفو بزه‌دیده» را در قالب «تبعیت از معروف» در تمام برخوردها؛ اعم از مالی، روحی و عاطفی با بزه کار را خواسته است.

از موارد مهم در بازپذیری بزه کار شرمسازسازی مثبت است، به گونه‌ای که بزه کار از انجام بزه متأثر شود و در صدد جبران برآید. قرآن کریم در راستای بازسازی اخلاق بزه کار، ایجاد شرم مثبت و بازگشت به جامعه، افزون بر پیشنهاد عفو، از طرق گوناگون بزه‌دیده را به صفح جمیل؛ گذشت بدون چشمداشت و سرزنش تشویق می‌کند: «فَأَصْفَحْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ».^۵ صفح به معنای ترک مؤاخذة است، مانند عفو، و لیکن از عفو بلیغ‌تر و رساتر است، از این رو در قرآن کریم هر دو، کنار هم آمده و فرموده: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ»، چون گاهی می‌شود که انسان عفو می‌کند، ولی صفح نمی‌کند و صفح؛

۱. مارتین، *رویکرد بین‌المللی عدالت ترمیمی*، ص ۱۳.

۲. غلامی، *عدالت ترمیمی الگوی جدید تفکر در امور کیفری*، ص ۱۹۰.

۳. فصلت / ۳۴.

۴. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۶۵۶؛ مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱، ص ۶۰۵.

۵. حجر / ۸۵.

یعنی روی خوش نشان دادن.^۱ خداوند می‌فرماید: در برابر لجاجت، نادانی‌ها، تعصب‌ها، ... از گناهان آنها صرف‌نظر کن و آنها را ببخش؛ بخششی زیبا که حتی توام با ملامت نباشد ... چرا که قهر و خشونت هنگام بخشش سبب افزایش خشونت و تعصب می‌شود^۲ که به آن شرمسازسازی منفی گویند اما اگر بنا بر فرمایش امام رضا علیه السلام «العفو من غیر عتاب»^۳ گذشت خالی از سرزنش باشد، سبب شرم مثبت می‌شود. همان‌طور که امام صادق علیه السلام در تبیین این آیه می‌فرماید: هنگامی که تصمیم بر گذشت گرفت دیگر بر برادرش سخت نگیرد^۴ که سخت‌گیری بعد از عفو مانع بازپذیری بزه‌کار است. در آیه ۴۰ سوره شوری گذشت را راهکاری برای اصلاح و بازگشت مجرم دانسته و برای تشویق به این فرایند می‌فرماید: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ کسی که گذشت کرد و سبب صلح و اصلاح شد اجر و پاداشش با خدا است».

در آیه ۴۵ مائده نیز پیرامون قصاص عضو می‌فرماید: «فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ؛ اگر کسی از حق خود بگذرد و عفو پیشه کند، کفاره‌ای برای گناهان او محسوب می‌شود.» تعبیر به «تَصَدَّقَ» نشان از حق قصاص برای بزه‌دیده دارد و هم تشویق و ترغیب به بخشش در آن نهفته است؛ چرا که صدقه دادن، گذشتن از حق خود بوده و امری پسندیده و سزاوار تمجید است. از این‌رو در ادامه سعی در تحریک بزه‌دیده دارد و می‌فرماید: «فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» همان‌طور که در آیه ۱۲۶ نحل، بعد از بیان قصاص و مجازات کفار تشویق به عفو کرده: «وَكُنْ صَبْرًا لَّهُمْ خَيْرٌ لِّلصَّائِرِينَ؛ اگر از مجازات درگذری و صبر کنی از ثواب جزیل برخوردار می‌شوی» «وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۵ استفاده از تعبیر «كَفَّارَةٌ لَهُ - خَيْرٌ لِّلصَّائِرِينَ - صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ - فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» نشان از این دارد که بخشش برای بزه‌دیده هم مایه آرامش روحی و وجدانی بوده و هم دارای اجر و رضایت الهی است.

یکی دیگر از عناصر بازپذیری بزه‌کار در فرایند ترمیمی «توافق داوطلبانه» است.^۶ در آیات قصاص خداوند ابتدا قصاص را به‌عنوان یک حق - نه تکلیف - برای بزه‌دیده متذکر می‌شود، بعد در فضایی به دور از فشار و الزام سعی در تشویق و ترغیب او بر گذشت از حشش دارد تا این امر در فضایی اختیاری و داوطلبانه صورت پذیرد که هم صلح پایدارتر بوده و هم بازپذیری بزه‌کار از قوت بیشتری برخوردار است. همچنین

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۲۷.

۳. حویزی، نورالتقلین، ج ۳، ص ۲۷.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۱۹.

۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۰۶.

۶. میرتقی‌زاده، مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی، ص ۲۰۴.

عنصر داوطلبانه می‌تواند متضمن ایجاد نوعی رعب در دل مجرم باشد که در صورت عدم گذشت بزه‌دیده از حقش، مجازات سختی پیش رو دارد و این می‌تواند سبب اصلاح و عدم تکرار جرم شود.

ب) ایجاد زمینه بازگشت

یکی از ظریف‌ترین نکات در بازپذیری این است که پس از تقبیح فعل مجرمانه، باید زمینه‌های بازگشت بزه‌کار فراهم شود. در این مسیر برای تسهیل و تعمیق بازپذیری، وجود بخشش همراه با تحریک انگیزه‌های مذهبی در بزه‌کار بسیار اثربخش است. از این رو خداوند دعوت به توبه و اصلاح را از شرایط پذیرش مجرم دانسته است: «فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا...» ندامت و پشیمانی که نتیجه شرمسارسازی و تنفر از رفتار ارتكابی است، صبغه ترمیمی داشته و در حقیقت خداوند با پذیرش توبه و تأکید بر اصلاح، مجازات را از مجرم برداشته تا راه جبران و بازپذیری را باز گذارد.

همچنین برای رسیدن به اهداف مورد نظر در بازپذیری مجرم، خداوند در هر جرم به تناسب، راهکاری مناسب جهت پذیرش ندامت پیشنهاد کرده است. در جرم زنا بنا بر جایگاه حیثیتی و اهمیت مخفی ماندن بزه، مسیر بزه‌پوشی و بازپذیری بر اساس حفظ آبروی دوطرف را در پیش گرفته و در محاربه از تکنیک بازپذیری بر مبنای بازگشت امنیت در جامعه استفاده کرده و در جرم سرقت اصل بازپذیری را بر مبنای بازدارندگی و عبرت‌پذیری قرار داده است.

ج) بازپذیری در قالب سلب تعین بزه در شخصیت بزه‌کار

از عوامل مهم تکرار جرم توسط بزه‌کار این است که جرم در شخصیت او نهادینه شود و مجرم آبروی خود را از دست‌رفته دیده و خود را فردی گنه‌کار و مجرم بداند. از این رو در عدالت ترمیمی فرایند بازپذیری باید به نحوی باشد تا بزه‌دیدگی در بزه‌کار متعین نشده و حس مجرمیت از جامعه به او القاء نشود.

قرآن کریم در فرایند بازپذیری برای جلوگیری از طرد شخصیت بزه‌کار در جرم زنا بعد از درخواست مجازات می‌فرماید: در صورت بازگشت و اصلاح «فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا...» از مجازات‌های تعیین شده دست بکشید. از آنجا که اعمال مجازات سبب تعین و پذیرش جرم و سلب شخصیت اجتماعی مجرم می‌شود، این دستور بیان می‌دارد تا در صورت ایجاد شرایط اصلاح، نگاه مجرمانه برداشته شود و جرم او نادیده انگاشته گردد تا بزه‌کاری در او متعین نشود و بزه‌کار به صورت یک عنصر طردشده از اجتماع در نیاید.

از آنجا که زنا در فرهنگ و جوامع اسلامی بسیار شنیع و حیثیتی بوده که در صورت اثبات، آبروی افراد و جامعه را به خطر می‌اندازد، در قوانین اسلامی بازپذیری مجرم را مشروط به ندامت و اصلاح قبل

از اثبات جرم کرده^۱ و از بزه‌کار خواسته قبل از اثبات جرم توبه کرده و با رفتارهای مناسب شخصیت اجتماعی مقبولی برای خود ایجاد کند و در مقابل از مجریان قانون هم می‌خواهد که او را ببخشند تا با حفظ آبروی متهم؛ که هنوز به صورت کامل از بین نرفته و مجرمیت او به صورت قطعی در ذهن مجرم و افراد جامعه متعین نشده؛ بازپذیری مثبت شکل گیرد.

در ادامه فرایند بازپذیری، قرآن کریم فراتر از اندیشه عدالت ترمیمی نوین، بر بزه‌پوشی و حفظ شخصیت افراد تأکید کرده است؛ زیرا در جرایم جنسی نمی‌توان آبروی از دست‌رفته متهم را به‌طور کامل باز گرداند، خداوند برای اثبات جرم زنا، شهادت چهار شاهد را شرط دانسته^۲ و حدّ قذف را وضع کرده و فرموده اگر کسی بنای اتهام این جرم را به دیگری داشت، باید چهار شاهد عادل بر آن شهادت دهند و اگر موفق به احضار شاهدان نشد، اتهام‌زننده به هشتاد ضربه شلاق محکوم می‌شود: «فَأَجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» افزون بر این، اتهام‌زننده از فاسقانی شمرده می‌شود که هیچ‌گاه نباید شهادتش را پذیرفت^۳ مگر اینکه توبه و اصلاح صورت پذیرد.^۴

این شیوه بازپذیری و حفظ شخصیت در جرم محاربه، این‌گونه تحلیل می‌شود که چون محاربه از جرم‌های آشکار بوده و بزه‌کار آن شناخته شده است، قرآن برای بازپذیری و عدم تثبیت جرم در اذهان عموم و متعین نشدن بزه در شخصیت بزه‌کار شرط پذیرش توبه محارب را قبل از دستگیری بیان کرده تا با دستگیری، جرم او در اذهان نهادینه نشود و شخصیت بزه‌کار بیش از پیش مورد سرزنش قرار نگیرد و راهی برای بازپذیری او باقی باشد.

د) بازپذیری در قبال بازگشت امنیت

برنامه‌های عدالت ترمیمی به‌طور مستقیم باید بر مسئله پیشگیری از جرم متمرکز باشند،^۵ رویکرد ترمیمی در جستجوی تقویت جامعه محلی جهت پیشگیری از جرم و در نتیجه ایجاد امنیت بیشتر در آینده است.^۶ بر پایه این اصل بخشش و بازپذیری بزه‌کار باید از روی اختیار و به‌گونه‌ای صورت گیرد که زمینه‌ساز حس اعتماد به مجرم بوده و سبب بازگشت امنیت و اعاده آزادی‌های از دست‌رفته در جامعه باشد، به

۱. حرعاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۸، ص ۳۷؛ مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۳۱۰؛ قانون *مجازات مدنی*، مبحث پنجم، ماده ۱۱۴.

۲. نساء / ۱۵.

۳. نور / ۴.

۴. نور / ۵.

۵. بریث ویت، *پیوند دادن پیگیری از جرم به عدالت ترمیمی*، ص ۲۸۷.

6. Sharpe, *A vision for healing and CHnge*, p. 7 – 12.

گونه‌ای که از احتمال تکرار جرم توسط بزه‌کار کاسته شود.

محاربه از جرم‌هایی است که سبب از بین رفتن امنیت، ایجاد رعب و آسیب‌های روانی در جامعه می‌شود. خداوند جهت جلوگیری از این جرم مجازات‌های سنگینی را پیشنهاد کرده است اما بازپذیری محارب را در قالب شرطی پذیرفته که هم امنیت جامعه حفظ شود و هم بازپذیری مثبت صورت گیرد؛ از این رو در مورد زمان بازپذیری مجرم فرموده: «مِنْ قَبْلِ أَنْ تُقَدَّرُوا» یعنی بازپذیری و رفع مجازات باید قبل از دستگیری مجرم باشد؛ چرا که بزه‌کار بعد از دستگیری و محاکمه، خود را در معرض خطر مجازات سنگین دیده و امکان بازگشت صوری و غیرواقعی بیشتر می‌باشد؛ لذا از بزه‌کار می‌خواهد قبل از اینکه محاکم قضایی بر او تسلط پیدا کنند، با توبه و ایجاد حس اعتماد، امنیت و آرامش را به جامعه بازگرداند. از این رو می‌فرماید: «فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱.

این جلوه از عدالت ترمیمی را در جرم سرقت هم می‌توان مشاهده کرد. خدای متعال بعد از تبیین مجازات سارق، بازپذیری و گذشت از مجرم را منوط به اصلاح کرده و می‌فرماید: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ...»^۲ استفاده از واژه «أَصْلَحَ» که عام بوده و هم شامل اصلاح بزه‌کار و هم اصلاح آثار جرم می‌شود، در واقع دو هدف را دنبال می‌کند؛ اول اینکه بزه‌کار باید از نظر اخلاقی و رفتار اجتماعی، خود را اصلاح کند به صورتی که اعتماد مراجع قضایی را جلب کند؛^۳ دوم باید با رد مال مسروقه، آثار مخرب جرم را اصلاح کند.^۴ در نتیجه با توبه و اصلاح خود خسارات وارده و صدمات روحی و امنیتی که به اقوام و جامعه محلی وارد شده جبران کرده و با ایجاد اطمینان و حسن اعتماد، بازپذیری او در جامعه صورت می‌گیرد و سبب بازگشت امنیت و آرامش به جامعه می‌شود.

ه) لزوم توجه به شرایط بزه‌کار و سلب موقعیت سوءاستفاده

در طی فرایند عدالت ترمیمی این امکان فراهم می‌شود که بزه‌کار از جایگاه خود و خسارات وارده مطلع شود، وجدان انسانی وی بیدار گردد و با قبول بزه و آثار و مسئولیت‌های آن، به احساس همدردی و یکدلی با بزه‌دیده برآید. این فرایند می‌تواند از هرگونه اقدام مجرمانه شخص بزه‌کار جلوگیری کند.^۵

اساساً عوامل متعددی از قبیل: مشکلات فردی و اجتماعی موجب بزه‌کاری مجرم می‌شود که ممکن

۱. انعام / ۴۸.

۲. مائده / ۳۹.

۳. رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۶، ص ۳۷۶ - *قانون مجازات مدنی*، ماده ۱۱۴ و ۱۱۷.

۴. رشید رضا، *تفسیر القرآن الحکیم*، ج ۶، ص ۳۱۶.

۵. عباسی، *عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری*، ص ۹۷.

است در فرایند بازپذیری او هنوز باقی باشد و سبب بازگشت دوباره بزه‌کار به جامعه جرم‌خیز شود. خداوند جهت بازدارندگی از این اتفاق، در بازپذیری و سلب مجازات از زانی بازگشت زناکار را به دو قید مشروط کرده: اول اینکه متهم قبل از اثبات جرم پشیمان شود و دوم، اصلاح او محرز شده باشد.^۱ مرحله بعد به مجرم تذکر داده می‌شود، در صورتی که از موقعیت به دست آمده سوء استفاده کرده، اصرار بر جرم داشته و در مسیر ترمیم قرار نگیرد، مشمول مجازات‌های سخت کیفری، تخریب شخصیت و طرد از جامعه می‌شود.^۲ در جرم سرقت هم چون سرقت از جرم‌های متداول بوده و شرایط مختلفی می‌تواند بزه‌کار را دوباره به سوی آن سوق دهد، قرآن برای بازدارندگی سارق از تکرار جرم، پشیمانی و اصلاح را مشروط بر اینکه اعتماد مراجع قضایی را جلب کند^۳ پذیرفتنی دانسته تا اطمینان کافی جهت بازگشت وی و عدم سوء استفاده از موقعیت به وجود آمده، حاصل شود. این فرایند بنا به تناسب جرم در مجازات محاربه نیز به آن اشاره شده و برای جلوگیری از سوء استفاده بزه‌کار، ندامت و بازگشت را مشروط به قبل از دستیابی محاکم قضایی به بزه‌کار دانسته است: «مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ» تا بزه‌کار از موقعیت سوء استفاده نکند؛ چرا که وقتی مجرم خود را در بند دید، امکان پشیمانی زیاد است که ممکن است صوری و غیر واقعی باشد.

قرآن کریم برای بازپذیری صحیح و ممانعت از سوء استفاده بزه‌کار، در آیه قصاص می‌فرماید: «وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» اگر بزه‌کار از مجازات بخشیده شد، باید خسارات وارده را به نحو احسن جبران کند تا فکر نکند که می‌تواند از زیر بار جرمی که مرتکب شده شانه خالی کند: «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» این عفو و تبدیل قصاص به دیه، تخفیفی از جانب خدا و بخششی بر بزه‌کار است. در مرحله بعد برای اینکه بزه‌کار مسئولیت بزه را بپذیرد و بعد از بخشش به فکر فرار از وظیفه و سوء استفاده از موقعیت پیش آمده نباشد، با امری توبیخی می‌فرماید: «فَمَنْ أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۴ در صورت تکرار جرم مجازات سختی پیش‌رو دارد؛ در واقع هم جنبه تشویق و تیشیر را در نظر گرفته و هم تنذیر و توبیخ.

دو. بازپذیری بزه‌دیده

عدم حمایت شایسته از بزه‌دیدگان در مقابل بزه، یکی از ایرادات اساسی است که بر عدالت کیفری وارد

۱. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۷؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۱۰؛ قانون مجازات مدنی، مبحث پنجم، ماده ۱۱۴.

۲. نور / ۲.

۳. قانون مجازات مدنی، ماده ۱۱۴ و ۱۱۷.

۴. بقره / ۱۷۸.

شده است. از اصولی که در عدالت ترمیمی باید به آن توجه شود جایگاه بزه‌دیده است. باید دید بزه‌دیده به چه چیزی نیازمند است تا خود را باز یافته و احساس آرامش و امنیت کند.^۱ بزه‌دیده در عدالت کیفری سنتی به کنشگری فراموش شده و منفعل تبدیل شده است که این بی‌توجهی نسبت به بزه‌دیده، باعث ایجاد حس انتقام‌جویی و خصومت در او نسبت به بزه‌کار می‌شود.^۲

قرآن کریم در جرایم کیفری جهت بازیابی جایگاه بزه‌دیده راهکارهایی جهت ترمیم آسیب‌های مادی و غیر مادی بزه‌دیده ایجاد می‌کند:

الف) جبران خسارات مادی بزه‌دیده

مبانی اسلامی و قواعد فقهی اصطیادی از قبیل: قاعده لاضرر، غرور، تسبیب و اتلاف، در بردارنده نفی سوءاستفاده از حق دیگران و جبران خسارات وارده است. در فرایند عدالت ترمیمی هم از آن جهت که یکی از آسیب‌های جدی بزه ایجاد خسارت مادی بر بزه‌دیده است، جبران خسارت باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. «برایث ویت» می‌نویسد: یکی از نیازها و دل‌نگرانی‌های اصلی بزه‌دیده که باید به آن توجه شود، خسارات و لطمات مادی است که بزه‌کار بر بزه‌دیده وارد کرده است.^۳ قرآن کریم بعد از تبیین مجازات کیفری، جلوه‌هایی از جبران خسارات مادی جهت بازپذیری بزه‌دیده مطرح می‌کند. خداوند بعد از تعیین مجازات و تقبیح فعل مجرمانه در قصاص، با بیان علاقه خود نسبت به عفو مجرم، در مرحله بعد به اصل بازپذیری بزه‌دیده و جبران خسارت او اشاره کرده و می‌فرماید: بزه‌کار باید خسارت وارده بزه‌دیده را با پرداخت دیه و به نحو احسن جبران کند.^۴ از آنجاکه سرقت نیز از جرم‌هایی است که خسارت مادی به بزه‌دیده وارد می‌کند، قرآن کریم بعد از بیان مجازات بزه‌کار، برای جبران خسارت بزه‌دیده فرموده: «وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ» به شرط اصلاح، خداوند توبه او را می‌پذیرد. در این آیات خداوند بین حکم تکلیفی و مسئولیت مدنی فرق گذاشته است، حکم تکلیفی پذیرش توبه و بخشش است اما مسئولیت مدنی که اصلاح و جبران خسارت بزه‌دیده است، به جای خود باقی است.^۵ برخی از فقها بر پایه آیه «اعتدا» حکم جبران مال غیر با بخشش و رفع مجازات متفاوت دانسته و از مصادیق «اعتدا» در امور

۱. رایث، *رویکرد بین‌المللی عدالت ترمیمی*، ص ۲۵.

۲. حسینی، *عدالت ترمیمی و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع جرم*، ص ۶۳۴.

3. Braithwaite, *standards For Restorative Justice*, p. 11.

۴. *قانون مجازات اسلامی*، قصاص، ماده ۲۷۷.

۵. مقدس اردبیلی، *زبدة البیان فی أحكام القرآن*، ص ۶۶۴.

۶. *فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ*. (بقره / ۱۹۴)

مالی جبران اتلاف مال غیر بیان کرده‌اند^۱ و توبه بدون رد مال و جبران خسارت پذیرفته شده نیست^۲ و از شرایط اصلاح، جبران خسارت و رد مال دانسته‌اند تا آثار مخرب جرم اصلاح شود.^۳

ب) ترمیم لطمه‌های روحی و عاطفی بزه‌دیده

یکی دیگر از آسیب‌های ناشی از بزه نسبت به بزه‌دیدگان لطمه‌های روحی و عاطفی است. عدالت ترمیمی در واقع روندی است که سعی در تصحیح خطاها و جبران آنها دارد. این مهم از طریق توجه به نیازهای ایجاد شده به وسیله جرم، نظیر: آرامش، امنیت، جبران و ترمیم خسارات روحی و معنوی وارده بر بزه‌دیدگان امکان‌پذیر می‌گردد.

یکی از راه‌های جبران صدمات روحی و عاطفی بزه‌دیده ایجاد حس گناه در بزه‌کار و آشنایی او با میزان خسارت جرم است. اینکه بزه‌دیده متوجه شود بزه‌کار گناه و مجازات خود را پذیرفته و از آن پشیمان بوده و در صدد جبران خسارت است، می‌تواند سبب آرامش روحی و روانی او شود.

در مرحله بعد؛ چون بزه ارتكابی سبب لطمه‌های روحی و عاطفی به افراد مرتبط با جرم شده و موجب ایجاد هراس در برخی افراد می‌شود، با هدایت بزه‌کار به سمت ندامت و توبه، به او می‌فهماند که باید بپذیرد که مقصر بوده و در صدد اصلاح و جبران خسارات وارده برآید. فیض کاشانی معتقد است در مواردی که جرم سبب جنایت بر قلب و روح افراد شده باشد، بازگشت و بخشش آن به این است که مجرم با رفتار و ایتاء حسنات دل بزه‌دیده را به دست آورد.^۴ کلینی می‌نویسد: استفاده از واژه اصلاح بعد از توبه «فَإِنْ تَابَا وَ أَصْلَحَا» در جرائم حق‌الناسی نشان می‌دهد، شرط پذیرش توبه تحصیل رضایت بزه‌دیده‌گان می‌باشد.^۵ از این رو بزه‌کار باید سعی کند با اصلاح نفس و تغییر رفتار، تا جای ممکن سبب بازگشت آرامش روحی و عاطفی بزه‌دیدگان شود.

از نکات ظریف بازپذیری بزه‌دیده‌گان در جرم زنا آن است که از تکنیک‌های مختلف بزه‌پوشی استفاده شده تا آبرو و امنیت روحی آنها به خطر نیفتد. بر همین اساس متهم‌سازی بدون دلیل کافی قذف به حساب آمده و مرتکب آن مستوجب مجازات می‌باشد،^۶ این بزه‌پوشی در مواردی که مجرم قصد تهمت‌زنی دارد یا جایی که آبروی خانواده یا جامعه بزه‌دیده در خطر است، سبب می‌شود امنیت و آبروی

۱. اصفهانی، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۳۲۲.

۲. فیض کاشانی، المهجة البيضاء، ج ۷، ص ۶۸.

۳. رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم، ج ۶، ص ۳۱۶؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹۴.

۴. فیض کاشانی، المهجة البيضاء، ج ۷، ص ۶۹.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹۴.

۶. نور / ۴.

آنها به مخاطره نیفتد. همچنین پذیرش توبه زناکار را منوط به قبل از اثبات جرم کرده‌اند تا جرم ثابت نگردد و راهی برای حفظ آبروی خانواده و جامعه محلی و بازپذیری مثبت آنها وجود داشته باشد. شیوه بازپذیری آسیب روحی و امنیت بزه‌دیدگان در محاربه این است که، باید قبل از دستگیری مجرم پشیمانی شکل گرفته باشد؛ به گونه‌ای که حس اعتماد و امنیت روحی و روانی در جامعه بزه‌دیده ایجاد کرده باشد و ثابت شود که توبه صوری و برای فرار از مجازات نبوده، تا از مجازات او صرف نظر شود. در قصاص نیز از آنجا که بیشترین آسیب به روح و روان و جسم بزه‌دیدگان وارد می‌شود، قرآن کریم ابتدا برای بازپذیری و ایجاد آرامش روحی و روانی بزه‌دیده، آنها را محق دانسته و می‌فرماید حکم قصاص حق ثابتی برای شماسست و برای ایجاد آرامش و بازبایی خسارات وارده می‌توانید از این حق بگذرید یا به جای آن چیز دیگری مثل دیه طلب کنید؛ یعنی باید به گونه‌ای رفتار شود که مایه آرامش روحی بزه‌دیده شود.

سه. تکنیک بازپذیری با استفاده از ادبیات و واژه‌های مناسب

همان‌طور که گفته شد یکی از زمینه‌های مهم عدالت ترمیمی استفاده از زبان و ادبیات متناسب در اجرای برنامه میانجی‌گری است و بر پایه بحث و گفتگو باید همه بی‌عدالتی‌هایی که طرف‌ها به خود مربوط می‌دانند، ترمیم شود.^۱

اصل بازپذیری و میانجی‌گری با تکنیک استفاده از ادبیات و واژه‌سازی در مبحث قصاص این‌گونه می‌توان تحلیل کرد: وقتی روی سخن با مقصر و بزه‌کار است، ابتدا برای جلوگیری از مواجهه‌سازی جرم و ایجاد امید واهی مجرم به عفو و گذشت، از ادبیات تند مجازاتی مثل حکم قصاص^۲ و تجاوز به مثل^۳ سخن می‌گویند. در مرحله بعد ادبیات گفتاری متفاوت شده و به آرامی در بزه‌کار ایجاد روحیه امید کرده و با جمله «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ» سخن از عفو و برادری به میان آورده و راه بازپذیری را باز می‌کند. در مرحله سوم برای اینکه بزه‌کار حساب جایگاه و موقعیت خود را داشته، با جمله: «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ» بر او منت می‌گذارد که این حکم تخفیف و منتی از جانب خدا برای شما است تا هم بزه‌کار مجرمیت خود را فراموش نکند و هم تسلائی برای بزه‌دیده باشد.

اما وقتی روی سخن با بزه‌دیده است؛ چون شخصی خسارت‌دیده و محق است، برای ترغیب به عفو و به دست آوردن دل او، ابتدا حق او را متذکر شده «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ» و بعد با ملاطفت سخن گفته و با

۱. بریت ویت، عدالت ترمیمی، ص ۵۴۷.

۲. بقره / ۱۷۸.

۳. مائده / ۴۵.

استمداد از فضیلت اخلاق عفو و ایجاد حس برادری «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ» قانون مجازات بشری را تلطیف کرده و سعی دارد با استفاده از این واژگان بخششی داوطلبانه و از روی میل صورت گیرد تا هم فرایند بازپذیری بزه‌کار کارآمد باشد و هم بزه‌دیده حس نکند که در حق او بی‌عدالتی رخ داده و حقش نادیده گرفته شده است. نکته ظریف دیگر اینکه نفرمود از قصاص درگذرد بلکه با استفاده از واژه «شَيْءٌ» اشاره دارد که این حق بزه‌دیده است و او می‌تواند هر مقداری از آن را که بخواهد، ببخشد یا جایگزین کند. در ادامه می‌فرماید بزه‌دیده هم نباید قصد آزار و اذیت نابه‌جا داشته باشد و بعد از عفو و ایجاد امید و آرامش در بزه‌کار دیگر حق برگشت از عهد و بخشش خود را ندارد: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۱.

ادبیات گفتاری زنا، از آن جهت که از جرم‌های تاثیرگذار در اجتماع بوده و آبروی افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، قرآن کریم در سه مقطع جرم‌زدایی زنا را تکمیل کرده و مجازات مجرم را اعلام می‌کند: ابتدا در سوره نساء با انتخاب واژه «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْأَفْحَاشَةَ» و «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا» نام جرم را بیان نکرده^۲ تا شرم خود را از این عمل اعلام کرده و شنیع بودن آن را به بزه‌کار نشان دهد؛ در مقطع دوم، بدون اشاره به تفصیل مجازات آن با جمله «فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا...» پیشنهاد توبه را مطرح می‌کند تا سرپوشی به روی جرم گذاشته شود؛ مرحله سوم در آیه دوم سوره نور ادبیات سخن کاملاً متفاوت شده و با ادبیاتی تند می‌فرماید: در صورتی که بزه‌کار اصرار بر جرم داشته و در مسیر ترمیم قرار نگیرد، مشمول مجازات سخت کیفری، تخریب شخصیت و طرد از جامعه می‌شود.

در حد سرقت نیز خداوند با انتخاب واژگان و نوع گفتار، مجازات کیفری را در مسیری کاملاً ترمیمی قرار داده و با بیان «جَزَاءٌ يَمَا كَسَبَا» به مسئولیت‌پذیری اشاره کرده، می‌فرماید: گرچه ممکن است شرایط و مشکلات زندگی و اجتماع سبب شده تا دست به سرقت زده اما مجازات آن از ابتدا اعلان شده بود، پس باید مسئولیت ناشی از آن را بپذیرید. در ادامه با انتخاب واژه «نَكَالًا»؛ به معنای عقوبتی که در آن عبرت و ارهاب دیگران است^۳ و دیگران را از انجام مثل آن منع می‌کند،^۴ به بزه‌کار می‌فهماند که جهت ایجاد امنیت و جلوگیری از جرم در جامعه این مجازات لازم بوده و از روی حکمت بوده و بی‌حساب و سخت‌گیرانه نیست: «وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۵ در نتیجه با انتخاب واژگان و نوع ادبیات می‌خواهد هم دل

۱. سیوطی، *درالمشور*، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۳۰۷؛ ر. ک. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۳، ص ۳۴.

۳. قرشی، *قاموس القرآن*، ج ۷، ص ۱۱۲.

۴. ابن فارس، *مقاییس اللغة*، ج ۵، ص ۴۷۳.

۵. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۴، ص ۳۷۵.

مجرم را به دست آورد و او را از مسیر بازپذیری و ترمیم دور نکند و هم حقوق بزه‌دیده را رعایت کرده و رضایت او را جلب کند و هم با دادن درس عبرت به دیگران امنیت جامعه را حفظ کند.

چهارم. فرایند میانجی‌گری در آیات کیفری

از موارد مهم در عدالت ترمیمی شیوه اجرایی آن است، با سابقه‌ترین و مهم‌ترین روش اجرای عدالت ترمیمی روش میانجی‌گری است.^۱ میانجی‌گری فرایند سه‌جانبه‌ای است که بر اساس آن با حضور بزه‌دیده، بزه‌کار و میانجی‌گر برگزار می‌گردد و در پی آن بین طرفین، سازش و توافق بر ترمیم آثار ارتکاب بزه صورت می‌گیرد.^۲ این روش که در قرآن کریم گاهی با نام «اصلاح ذات‌بین» و «حکمیت» به آن سفارش شده از مهم‌ترین راهکاری خداوند برای عدالت ترمیمی است. آیات: ۱ انفال؛ ۹ و ۱۰ حجرات؛ ۱۱۴ نساء؛ ۲۲۴ بقره پیرامون اصلاح ذات‌بین و آیه ۳۵ نساء درباره حکمیت و شیوه‌های آن سخن گفته‌اند که اندیشمندان حوزه حقوق و قضا این موضوع را گسترش داده و از این موارد جهت رفع اختلافات در جرایم گوناگون استفاده کرده‌اند که امروزه در قالب‌هایی شبیه شورای حل اختلاف در اختلافات شخصی و گروهی در حال اجراست و گاهی در جرایم کیفری مثل آشتی و عفو در قصاص قاتل^۳ یا اصلاح و ترمیم محارب یا سارق (در جهت ترمیم رفتارهای فردی مجرم یا اصلاح بین مجرم و فرد با جامعه بزه‌دیده) هم کاربرد دارد. خدای متعال در آیه ۱۲۸ بقره که پیرامون مسائل زناشویی سخن گفته، فرمود: «اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهر خود بیم داشته باشد، مانعی ندارد که با هم صلح کنند و صلح بهتر است» این عبارت «الصلح خیر» اگرچه در مورد اختلافات زناشویی ذکر شده است، اما بدیهی است که بیانگر یک قانون همگانی است و روابط بین مردم در همه امور مشمول این قاعده می‌شود.^۴

قرآن کریم در آیه ۱ انفال و ۹ حجرات بعد از دستور به اصلاح ذات‌بین، به یکی از شرایط شیوه میانجی اشاره کرده و با آوردن واژه «قسط» می‌فرماید: «ایجاد صلح باید در سایه عدالت و همراه با جبران و ترمیم خسارت‌های وارد شده، باشد» همچنین در آیه ۳۵ نساء: «حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنَّ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» در باب حکم می‌فرماید: شرط اصلاح این است که میانجی باید عدالت را رعایت کرده اراده اصلاح داشته^۵ به دور از رسوبات عاطفی و همراه با رازداری و با استفاده از نظرات

۱. غلامی، عدالت ترمیمی اصول و روش‌ها، ص ۴۵.

۲. نجفی، اصلاح ذات‌بین و نظریه عدالت ترمیمی، ص ۱۲۶.

۳. همان، ص ۲۰۳.

۴. همان، ۲۰۴.

۵. حسینی جرجانی، آیات الاحکام، ج ۲، ص ۳۴۶.

مفید و بی‌طرفانه بین بزه‌کار و بزه‌دیده صلح ایجاد کند.^۱

در شیوه اجرای میانجی‌گری، از آنجا که خداوند از یک طرف بزه‌کار و بزه‌دیده را به گذشت از مجازات و صلح تشویق می‌کند^۲ و از طرف دیگر به همه مردم به میانجی‌گری و برقراری صلح بین طرف‌های نزاع فرمان می‌دهد، می‌توان فهمید که چون بزه‌کار و بزه‌دیده غالباً امکان شروع مذاکره و رفع خصامه ندارند، خداوند به افرادی که توانایی برقراری میانجی‌گری را دارند، سفارش کرده تا با اقدامات لازم سازوکار آن را فراهم کنند.

همچنین از آنجا که برای صیانت از جامعه و عدم تخریب متجاوزان مجازات ستمگر و ظالم را حق بزه‌دیده دانسته است^۳ و از سوی دیگر بزه‌کار و بزه‌دیده را تشویق کرده، نه مجبور؛ معلوم می‌شود که میانجی‌گر باید حضور داوطلبانه داشته باشد و نه دستوری و اجباری.

میزان اهمیت فرایند میانجی‌گری زمانی روشن می‌شود که خداوند افزون بر سفارش به مؤمنان در مواردی هم خود میانجی‌گری را به عهده گرفته است. خداوند در موارد کیفری یادشده مثل: قصاص ابتدا به‌عنوان میانجی مجازات اصلی و جزایی جرم را که حق بزه‌دیده است، بیان کرده و در مرحله بعد میانجی‌گری کرده و به بزه‌دیده سفارش می‌کند اینها برادران شما هستند، بهتر است گذشت کنید^۴ و برای تشویق به عفو برای آنها پادش تعیین کرده است: «فَأَجْرُهُ عَلَيَّ اللَّهُ».

این شیوه را می‌توان در جرائم سرقت، زنا و محاربه دید. خداوند با بیان مجازات و توبیخ، جایگاه و خسارات بزه‌کار متذکر می‌شود، در مرحله بعد راه میانجی برای بخشش را در پیش می‌گیرد، ابتدا به بزه‌کار پیشنهاد توبه داده و بدون هیچ اجباری او را به مسیر توبه راهنمایی می‌کند و بعد به اصلاح و پرداخت خسارت و غرامت جرم سفارش می‌کند: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ»^۵ و «فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا»^۶ تا رضایت بزه‌دیده هم جلب شود و در نهایت از مراجع قضایی می‌خواهد که از جرم او درگذرند: «فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا»^۷.

نتیجه

با توجه به سبک قرآن کریم در برخورد با رفتارهای بزه‌کارانه نتیجه می‌شود که:

۱. صادقی‌تهرانی، *الفرقان*، ج ۷، ص ۵۴.

۲. سورا / ۴۱ و ۴۳؛ بقره / ۱۷۸.

۳. سورا / ۴۲ - ۴۱.

۴. بقره / ۱۷۸.

۵. مائده / ۳۹.

۶. نساء / ۱۶.

۷. همان.

۱. باید کیفرزدایی همراه با ایجاد صلح و اصلاح را از آموزه‌های مورد تأکید اسلام شمرد. خداوند با طرح مباحثی چون توصیه به گذشت، اصلاح ذات بین، حکمیت با استفاده از ادبیات ملاطفت آمیز، رویکرد عدالت ترمیمی را به‌عنوان الگوی راهبردی رفتار با بزه‌کاران و برای مخاصمات سفارش کرده است.
۲. در این راستا مواردی مشاهده می‌شود که مصلحت و نیاز جامعه اقتضای آن را داشته تا مجازات را برای بزه‌کاران اصل قرار دهد و از این منظر به بازسازی و ایجاد امنیت در جامعه بپردازد اما مهم‌ترین هدف مجازات در عدالت کیفری قرآن کریم اجرای عدالت بوده که به‌عنوان یک حق به آن اشاره شده است، نه یک تکلیف غیر قابل تغییر، از این رو ابتدا برای هر جرم، مجازاتی را تعیین کرده ولی در تمام موارد به تناسب جرم و با توجه به جایگاه بزه‌کار و بزه‌دیده از اصول عدالت ترمیمی بهره گرفته و جریان مجازات‌دهی را در مسیر ترمیم سوق داده است که در این بحث به جزئیات و راهکارها پرداخته شده است.
۳. با توجه به فرایند رفتاری قرآن کریم با بزه‌کاران، می‌توان رویکرد تسهیل در مجازات و روحیه عفو و گذشت را به‌عنوان الگوی رفتاری با بزه‌کاران باز شناخت. در این رویکرد اولاً؛ بازپذیری؛ در قالب عفو و گذشت در قبال عدم تحقیر و حفظ شخصیت بزه‌کاران و در راستای مواجهه‌سازی بزه‌کار با عواقب هر جرم و کمک به بازسازی اخلاقی آنها در قالب بازپذیری و اصلاح به تناسب بزه ارتکابی، شکل گرفته است. ثانیاً؛ از آنجا که بزه‌کار به دلایل مختلف مادی، معنوی و اجتماعی مرتکب جرم شده، خداوند او را بیش از آنکه مستحق مجازات بداند سزاوار کمک و بازپذیری دانسته و راه‌های بازپذیری و بازگشت را مطرح کرده است تا بزه به فرصتی برای بازگشت و اعتلای بزه‌کار و ترمیم جامعه تبدیل شود.
۴. از جلوه‌های دیگر ترمیم در آیات کیفری آن است که، خداوند تشویق‌های متعدد برای ترغیب بزه‌دیده به عفو و گذشت قرار داده و جهت حل مشکلات بزه‌دیده هم فرایند بازپذیری را در مسیری قرار می‌دهد که جبران خسارات مادی و معنوی بزه دیده صورت پذیرد، بر همین اساس توبه را با اصلاح همراه کرده و پذیرش آن را منوط به جلب رضایت و جبران خسارت بزه‌دیده می‌کند و در مرحله‌ای حق مجازات را به بزه‌دیده می‌دهد و می‌گوید بزه‌دیده می‌تواند در قبال گذشت از مجازات، خسارت و دیه دریافت کند.
۵. خداوند در جریان ترمیم جایگاه بزه‌دیده و بزه‌کار، در جرم‌های حیثیتی، بزه‌پوشی را مبنا قرار می‌دهد تا بازپذیری بزه‌کار و بزه‌دیده در قالب شرم منفی صورت نپذیرد و از آسیب‌های جامعه و خانواده بزه‌دیده جلوگیری کند.
۶. از دیگر جلوه‌های ترمیم، استفاده از ادبیات و واژگان متناسب با بزه‌کار و بزه‌دیده است که می‌تواند هر دو را به بازپذیری مثبت و مستمر سوق دهد. خداوند در جهت فرایند اجرای این امر سفارش به میانجی‌گری از طریق حکمیت یا اصلاح ذات بین کرده و راهکارهایی برای شیوه اجرا بیان کرده است تا به نحو شایسته این فرایند شکل گیرد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد، *معجم المقاییس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- اصفهانی محمدحسین، *حاشیة کتاب المکاسب*، تحقیق عباس محمد آل‌سابع، تهران، المطبعة العلمية، ۱۴۱۸ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۲ ق.
- حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح، *آیات الاحکام*، تهران، نوید، ۱۴۰۴ ق.
- حویزی، عبد علی، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- دلیراد، محمد، *متن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱*، ۱۳۹۵.
- رازی، ابوالفتوح، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ۱۴۰۸ ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار العلم و دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- رشید رضا، محمد، *تفسیر القرآن الحکیم*، قاهره، الہیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰ م.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء تراث العربی، بی‌تا.
- فاضل مقداد، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، *المحجة البيضاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

- فیض کاشانی، محمد محسن، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر، ۱۴۱۵ ق.
- قریشی، سید علی اکبر، *قاموس القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مارتین، رایت، *رویکرد بین‌المللی عدالت ترمیمی*، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۴ ش.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی أحكام القرآن*، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ق.
- وایت، راب و فیونا هینز، *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه علی سلیمی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.

- Braithwaite, J. Crime, shame and reintegration, Melbourne, Cambridge university press, 1989.
- Braithwaite, Johan, standards For Restorative Justice, U. N Crime Congress Ancillary meeting, (Vienna Austria 2000), OP.cit. p. 11.
- CERETTI, Adolfo & MANNOZZI, Grazia: Restorative Justice. Theoretical - Aspects and Applied Models, Report on the Ninth Joint Colloguium, 24 - 26, September, Organized Under the auspices of the United Nations, Centro Nazionale di prevenzione e Difesa Sociale, P. 55 - 95, 1999.
- Marshal, criminal Mediation in Great Britain 1980 - 1996 European jouroal on Criminal Policy and Research 21 - 43, 1996.
- S sharpe, Restorative Sustice: A vision for healing and CHnge. Alberta, Edmonton Victim offender Mediation Society, Edmonton, 1998.
- Sykes Gresham and Matza, David, Thechniques of Neutralization: a Theory of Delinquency, American Sociological Review, Vol. 22, No. 6, p. 664- 670, 1957.

ب) مقاله‌ها

- بریث ویت، جان، «پیوند دادن پیگیری از جرم به عدالت ترمیمی»، *مجله حقوقی دادگستری*، ترجمه علی شریف‌زاده، ش ۴۸ و ۴۹، ۱۳۸۳ ش.
- بریث ویت، جان، «عدالت ترمیمی»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۴۳، ص ۵۷۰ - ۵۲۱، ۱۳۸۵.
- حسینی، سید محمد، «عدالت ترمیمی و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع جرم»، *قانون یار*، دوره ۴، ش ۴، ص ۶۴۴ - ۶۳۱، ۱۳۹۹.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل؛ مهدی آقاییاری و غلامرضا قلی‌پور، «نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۱۱، ص ۱۱۲ - ۸۵، ۱۳۹۴.

جلوه‌های عدالت ترمیمی در مجازات‌های کیفری قرآن کریم □ ۱۷۷

- ساریخانی، عادل و مهدی خاقانی، «نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم‌شناسی غرب از منظر سیاست جنایی قرآن کریم»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم*، سال اول، ش ۱، ص ۶۴ - ۴۹، ۱۳۹۱ ش.

- عباسی، مصطفی، «عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری»، *پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۵، ش ۹، ص ۱۲۸ - ۸۵، ۱۳۸۲.

- غلامی، حسین، «عدالت ترمیمی اصول و روش‌ها»، *پژوهش‌های دانش انتظامی*، ش ۱۹، ص ۵۵ - ۳۶، ۱۳۸۲.

- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، «الگوی جدید تفکر در امور کیفری»، *پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۵، ش ۹، ص ۲۰۴ - ۱۸۳، ۱۳۸۲.

- کاظم پورفرد، فاطمه و عطیه رنگچی تهرانی، «نقش عدالت ترمیمی در واکنش کیفری به جرائم حوزه خانواده»، *فقه و حقوق خانواده*، ش ۶۸، ص ۱۷۰ - ۱۵۳، ۱۳۹۷.

- میرتقی‌زاده، میرحیدر، «مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی»، *قانون یار*، دور دوم، ش ۲، ص ۲۲۰ - ۱۹۹، ۱۳۹۶.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و همکاران، «اصلاح ذات بین و نظریه عدالت ترمیمی»، *مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۲، ش ۵۸، ص ۲۲۲ - ۱۹۳، ۱۳۸۷ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی